

شنبه **•** ۲۶ بهمن ۱۳۹۲ **•** سال یازدهم **•** شماره ۱۹۵۳ **•** ۷

شرق روزنامه

هنر • سیاست

نهاد انقلاب در فریاد فاطمی کاشته شد	صفحه ۸
فاطمی، جذابیت مردمی و قلمی توانمند داشت	صفحه ۹
گل‌های «ولنتاین» پشت سد برف	صفحه ۱۰

پرده نقره‌ای

نکاتی درباره «زندگی جای دیگری است» به کارگردانی منوچهر هادی

زندگی بر مدار مرگ آگاهی

محدثه قیادی

مدت عمر انسان از لحظه تولد تا رسیدن مرگ، درست به‌منزله تکامل او در عالم رحم است. سسگینی این کلام را شاید بتوان به شیرینی کلام فیلسوفی خوش ذوق و امروزی گره زد که «اگر مرگ در میان مردم وجود نداشت، انسان‌ها آن را اختراع می‌کردند.»

«زندگی جای دیگری است» درامی است پیچیده که در آن کاراکترهای فیلم در چارچوبی واقعی با مشکلات احساسی روبه‌رو شده و عنصر کشمکش تقریباً از سکاس اول فیلم آغاز می‌شود. فیلمساز با طرح مساله اصلی فیلم در همان سکاس اول، زمان بیشتری را به گسترش و طرح داستان زندگی هر کدام از شخصیت‌های درام می‌بخشد و همین نکته عامل بسیار مهمی است تا فیلم بتواند به‌تدریج تماشاگر را جذب کند.

در سینمای بعد از «درباره الی» شاهد تولید قارچ‌گونه درام‌های تراژیک ایرانی هستیم که تنها معطوف به یک هدف ساخته و طرح‌ریزی می‌شوند و آن هدف چیزی نیست جز افشاگر، ولی در «زندگی جای دیگری است» به‌نظر می‌رسدفیلمساز تنها درصددطرح‌ریزی یک‌سوءتفاهم و کشف حقیقتی مشکوک نیست بلکه در کنار تمام قضاوت‌های مذبحج بدون اصرار بر طرح معما و استخراج صورت‌های مات و مبهوت تماشاگران به طرح مسایلی جدید، دست‌کم در سینمای ملی می‌پردازد که با ترکیب داستان‌هایی بسیار جزئی و ظریف، درامی با محتوای جبهلی را روایت می‌کند. به نظر می‌رسد داستان این فیلم می‌تواند مانند پیراهنی به اصطلاح فری سایز بر قامت هر دوره تاریخی یا هر کشوری بنشیند. مساله «مرگ و زندگی، مساله «بودن و نبودن» و در نهایت انتخاب «چگونه رفتن» در سکاس ابتدایی فیلم بی‌مقدمه بایازی تأثیرگذار نقش پزشک مطرح می‌شود. تصویر حامد بهداد با کت و شلوار، سیگاری در دست، با پیش‌زمینه‌ای از برج‌های زیبای شمال تهران و تصویر قرینه‌اش، نقش بسته در انعکاس شیشه پنجره‌ای قندی و بزرگ طاهر می‌شود ولی به ناگاه این آرامش با صدای جنجال چند ماشین برای گرفتن حق تقدم ذبح می‌شود و صدای منشی پزشک، مخاطب را در برابر مساله اصلی داستان قرار می‌دهد.

فیلم پر از سوءتفاهم‌هایی است که دوست داریم ولی نه سوءتفاهم‌هایی از جنس پرگویی، این تصویر است که با مخاطب حرف می‌زند و گاه از سر یک سکاس تا شروع سکاس بعدی تو هستی و تصویری که تو را با خود به مهمانی نزدیک‌ترین مایه‌آزادهای شخصیت‌های فیلم می‌برد. نقش اول داستان مردی است که به دلیل بیماری لاعلاج باید به زودی با زندگی وداع کند و این وداع بستر مناسبی است تا داستان‌های کوچک زندگی این مرد، پسر و دختر دیده‌شدن در جشنواره و اگر آن پیدا نوجوانش، مهرسر و دوستان سابقش- با رفتنی مناسب و نسبت‌تند با کتلهایی کوتاه و پیام‌هایی صریح در هر سکاس از مقابل چشم تماشاگران بگذرند.

«زندگی جای دیگری است» یکی از معدود فیلم‌های سینمای ایران است که بی‌زن سستیزی از جنس تنهایی‌های مرده‌ان است. این‌ تنهایی با بازی بسیار به اندازه و درونی حامد بهداد رویانتر انسان‌هایی است که در نهایت مسوولیت‌پذیری، همواره متهم به بی‌مسوولیتی و بی‌تفاوتی هستند و البته در بی این اتهام بار سنگین تنهایی را نیز بر دوش می‌کنند. شانه‌های پهن حامد بهداد با چندکیلو اضافه وزن که شاید تحمیل شده توسط نقش بهپاری چهل‌وچندساله باشد این سنگینی و این تنهایی را بیش از پیش نمایان می‌کند، بهداد در نقش بهپاری کار آزموده و تواناست که در بیمارستانی مخصوص افراد اقدام‌کننده به خودکشی- در تشویش خبر مرگی زودهنگام به سر می‌برد ولیکن در همان اوضاع و احوال، عشقی قدیمی و زخم زده با خواهشی عجیب سرراشش قرار می‌گیرد اما بازی روان نقش اصلی داستان، روند شکل‌گیری داستان و پرداخت به جزئیاتی از جنس زندگی که در طراحی صحنه بسیار به چشم می‌آید، به‌تدریج این درخواست را در خود هضم می‌کند.

در کنار تمام این محاسن شاید چهره‌پردازی نه چندان مناسب در طراحی شخصیت‌های اصلی و فرعی فیلم تصویری بزک‌کرده‌تر از ظاهر ساده و عامی روایت فیلم را به نمایش می‌کشد. کسی نمی‌داند آیا ستاره‌های ایران هم وارد این‌قاعده محنوم بازیگری دنیا شده‌اند که وقتی می‌خواهی زندگی را به تصویر بکشی یک ستاره همینه که ستاره باقی می‌ماند؟! این‌عدم توازن چهره‌پردازی و شخصیت‌سازی در چهره و کاراکتر یکی از بیماران مرکز درمانی ویژه افراد اقدام‌کننده به خودکشی را شاید بتوان شش‌اخن این نقطه ضعف دانست، کارگری که از زندگی خسته است و آنقدر به قول خودش شرمند زن و بچه شده که عطای این دنیا را به لقایش بخشیده ولی با موهایی شیک، مرتب و چهره‌ای که چندان به انسان به آخر خطررسیده نمی‌ماند حلقه گمشده درام را رقم می‌زند. حلقه گمشده از این بابت که قرار است این علامت سوال تا پایان فیلم با مخاطب بماند که چه کسی قصد دارد به جای مرد بی‌گناه محکوم به اعدام، خودش را به زندان معرفی کند؟! قطعاً تأکید بیشتر روی کارگر جامانده از اتوبوس مرگ می‌توانست سکاس پایانی زنان را جذاب‌تر کند.

فیلم درصدد داوری نیست بلکه تنها شهادت می‌دهد و آنچه را که از رنج‌ها، سختی‌ها و حقارت‌ها شهادت می‌دهد به عنصری از تفکر می‌آمیزد، این عنصر تضاد و کشمکش می‌تواند بین شخصیت‌های اصلی ایجاد شود و در این حالت، لوج آن در خشونت جسمی نشان داده می‌شود و اینجاست که مولودرام با طعم خشنونتی کاملاً کنترل شده شکل می‌گیرد و حامد بهداد که معروف به داشتن حرکاتی انفجاری و غیرقابل کنترل است تمام لحظه‌های تولیدخشم را بجا خرج می‌کند.

فی تراشد و شاید بتوان گفت در پس روایت داستانی تخت و یک خطی،

فیلسوف درون مخاطب را هم به چالش می‌کشد و قطعاً قدمی روبه‌جلو را در کارنامه کاری خود ثبت می‌کند.

«زندگی جای دیگری است» تنهایی و سکوت را با کمترین دیالوگ به مخاطب عرضه می‌کند و شاید بتوان بهترین پرگویی را مختص مکالمه نقش اصلی داستان در مطب دکتر دانست که شنیدنش حالی از لطف نیست: «خیلی‌ها رو از مرگ تاجت دادم، خیلی‌ها هم زیر دستم مردن، فکر می‌کردم مرگ برام عادی شده، مگر تو که دیگرون برام عادی شده»

نگاه نو

جمشید محمودی

کارگردان «چندمتر مکعب عشق»:

حضور بااهمیت فیلمسازان چند نسل سینما

به‌سختی به سوالات پاسخ می‌دهد و اصرار دارد که بگوید این سوالات تکراری است. او دو فیلم کوتاه و دو فیلم ویدیویی ساخته است. جمشید محمودی کارگردان فیلم «چندمترمکعب عشق» کارگردانی است که می‌گوید: «دوست دارم فیلم دیده شود. نمی‌خواهم حرف‌هایم توقع ایجاد کند.»

❧ **قصه فیلم‌تان درباره چیست؟**

فیلم من قصه عاشقانه است، می‌توانم ملودرام عاشقانه و همین‌طور رومنس هم بنامش.

❧ **به‌نظر شما مهم‌ترین ویژگی جشنواره امسال چه بود؟**

به‌نظرم بخش «نگاه نو» جشنواره امسال ویژه است، چون هم تعداد فیلم‌ها نسبت به سال گذشته بیشتر شده و هم کیفیت فیلم‌ها آنطور که شنیدهام بالاتر. حسم به بخش «نگاه اول» این دوره جشنواره مثبت و خوب است.

❧ **با توجه‌به اینکه«چندمترمکعب عشق» اولین فیلم بلند شماست، آیا ساخت فیلم سینمایی بلند نسبت‌به گونه‌های دیگر فیلمسازی سخت‌تر است؟**

فیلم سینمایی حساسیت‌هایی دارد که در نوع دیگر فیلمسازی چنین الزامی وجود ندارد. اینک‌ه فیلمی فرصت دیده‌شدن در جشنواره و اگر آن پیدا می‌کند، خیال فیلمساز را راحت می‌کند و انگیزه را برای او بالاتر می‌برد.

گفت‌وگو

تینا پاکروان

کارگردان فیلم «خاتوم»:

تعریف متفاوت فیلمسازی در ایران و جهان

تینا پاکروان بازیگر حالا در قامت کارگردان به سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر گذاشته است، «خاتوم» اولین فیلم بلند اوست که در گفت‌وگو با «شرق» درباره روندساخت این فیلم سخن گفت. پاکروان پیش از این غیر از بازیگری در فیلم‌های تلوزیونی و سینمایی، دستیار کارگردان، منشی صحنه و برنامه‌ریزی را تجربه کرده است. او تحصیلکرده رشته سینماست و کار بازرگانی چون بهرام بیضایی و مسعود کیمیایی را در پرده کاری خود دارد.

❧ **شما در حین ساخت فیلم «خاتوم» توجه‌تان به چه طیفی از مخاطبان بود؟**

فیلم من اجتماعی است، قطعاً، مخاطب عام در نظرم بود و این فیلم را برای همه ساختم.

❧ **اهمیت جشنواره فیلم‌فجر امسال را در چه دیدید؟**

جشنواره امسال بسیار جنجالی و خاطرانگیز بود. خیلی از بزرگان در آن حضور داشتند و از همه نسل‌های سینما و هر طیف و گروهی فیلم آمده بود که اهمیت آن را چندبرابر می‌کرد.

❧ **تعریف‌تان از سینمای حرفه‌ای در ایران چیست؟**

سینمای حرفه‌ای که در ایران تعریف می‌شود همان سینمایی نیست که در جهان تعریف می‌شود. تعاریف خاص خودش را دارد. بر اساس یکسری روایت، شناخت‌ها و بخشی از آن دانش فنی تعریف می‌شود.

عکس: آرشبو شخصیت ساهان سالور

هم شد. «تمشک» فیلمی استاندارد و شریف و قابل دیدن و قابل بحث‌وچهررسی است و می‌تواند یکی از اتفاقاتی باشد که امسال در کنار فیلم‌های خوب و فیلمسازهای خوب مطرح شود و تماشاگرانش می‌تواند با رضایت از سالن بیرون بروند. به این دلیل که تجربه نه فقط «سیزده ۵۹»، نه «آمین خواهیم گفت»، نه «چند کیلو خرما برای مراسم تدفین» و... بلکه تجربه تملعی اینها به من کمک کرد فیلم «تمشک» فیلم با طعم و رنگ‌وبویی جذاب‌تر شود و خود قصه و ایده هم ویژگی‌های خاصی در نو بودن دارد. ما حدوداً یک‌سال‌وسمه‌ا برای گرفتن پروانه ساخت در دولت قبلی زمان صرف کردیم و پله‌های وزارت ارشاد و سازمان سینمایی را بالا و پایین رفتیم و نظرات مختلف را با سه‌صدر سعی کردیم تحمل کنیم تا بعد از هفت‌بار بازنویسی فیلمنامه،فیلم‌بسازیم.

❧ **یعنی ادعا می‌کنید که «تمشک» یک اتفاق سینمایی را رقم خواهد زد؟**

امیدوارم. با احترام به همه فیلم‌ها که می‌دانم زحمت کشیدند و کلا فضای فیلمسازی در دو دوره چهارساله سخت و سخت‌تر شد و بعد هم بسته‌شدن خان‌سینما قضایی پر از ناامیدی را برای اهالی سینما به‌دنبال داشت، فکر می‌کنم «تمشک» جزو فیلم‌های مطرح و خوب و پرمخاطب امسال سینمای ایران باشد. مطمئتم دوستان همه زحمت کشیدند و مجموعه فیلم‌های خوب، سال خوب و موفقی را برای سینمای ایران رقم خواهد زد.

❧ **«مهران احمدی» در این فیلم هم‌زمان دو نقش را بازی می‌کند. چرا از یک بازیگر برای دو نقش استفاده کردید؟**

بازی‌ها یکی از نقاط قوت «تمشک» است. اما «مهران احمدی» از دوستان خوب من است که در «سیزده ۵۹، هم دستیار من بود و هم جلو دوربین نقش خاصی به او واگذار شده بود. نقشی که او بازی کرد نقش دو برادر است که یکی مرضی‌ای دارد که فوت می‌کند و یک برادر جوان‌تر که بعد از مدتی سروکلاش پیدا می‌شود و نقش ویژه و خاصی است. من به توانایی‌های «مهران احمدی» واقعا اعتقاد داشتم و در بخش گرم هم کار «رسول سیدعربی» طوری بود که از خطرات این ریسک کم می‌کرد. با تست‌های طولانی و زحمات زیاد طراح گریسم و تمرین‌ها و ویژگی‌های «مهران احمدی» بالاخره این اتفاق میسر شد. در ضمن «مهران احمدی» خودش برادری داشته که دچار «ضایعه مغزی» بوده و برای همین تجربه نزدیک او در بازی نقش برادر بزرگ که فلج مغزی بود، توانست با تجربه نزدیک خودش، موفق عمل کند.

ابراهیم ابراهیمیان، کارگردان «ارسال یک آگهی تسلیت برای روزنامه»: سینمای حرفه‌ای، نگاه حرفه‌ای می‌خواهد

«ارسال یک آگهی تسلیت برای روزنامه»، عنوان اولین فیلم بلند سینمایی ابراهیم ابراهیمیان است که به بخش مسابقه فیلم اولی‌های سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر راه یافت؛ فیلمی که کارگردان آن امیدوار است مخاطب خاص و عام ببینده‌اش باشند. ابراهیمیان معتقد است برای داشتن یک سینمای حرفه‌ای باید در وهله نخست نگاه حرفه‌ای داشت. او در کارنامه کاری‌اش سابقه ۱۰سال مستندسازی حرفه‌ای دارد.

❧ **ارزایی‌تان از جشنواره فجر امسال چه بود؟**

به‌طور کلی جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین فستیوال ایران است؛ فستیوالی که هم در اکران فیلم‌ها تأثیر دارد هم به‌خاطر بخش رقابتی‌اش اثرهایی که قابل تأمل هستند، دیده می‌شود. جشنواره فجر مهم‌ترین جشنواره ایران است و البته بر رویکردهایش کمی نقد وارد است؛ رویکردها و سیاست‌هایی که هر سال عوض می‌شوند. اما امسال فکر می‌کردم تعداد آثاری که به جشنواره راه پیدا می‌کنند کمتر از این باشد، اما تقریباً تمام فیلمسازان ایران حضور داشتند و معتقدم این سطح کیفی جشنواره را از لحاظ رقابت پایین می‌آورد. البته این هم نوعی سیاست است که جشنواره را تبدیل به یک ویتترین می‌کند.

❧ **بخش نگاه اول در سی‌ودومین جشنواره فیلم**

فکر می‌کنم این فیلم توانایی این را دارد که خیلی ارتباط برقرار کند و حس و تجربه من می‌گوید که مخاطبان بیشتری خواهد داشت و تماشاچی‌ها بعد از دیدن فیلم، راضی از سالن خارج می‌شوند. اما به‌طور کلی باید به تملعی سلیقه‌ها حق داد چون نفس هنرمندبودن در نمایش اثر هنری، این پذیرش و تحمل نظر مخالف را می‌طلبد و اگر نتوانیم نظر مخالف را بپذیریم از ذات هنرمندی دور هستیم.



مهشید افشار زاده (سمت چپ)



«سامان سالور» پس از تجربه فیلم‌هایی چون «چندکیلو خرما برای مراسم تدفین»، «سیزده ۵۹» و چند فیلم دیگر، اخیراً فیلم سینمایی «تمشک» را با بازی نیکی کریمی و مهدی پاکدل کارگردانی کرده. این فیلم که به گفته کارگردانش، تجربه‌ای متفاوت به حساب می‌آید در بخش مسابقه سینمای ایران جشنواره سی‌ودوم به نمایش در آمد و کاندیدای دریافت سیمرغ بهترین فیلمنامه شد.

❧ **فیلم «سیزده ۵۹» با نقدهایی روبه‌رو شد. آیا فضای «تمشک» هم طوری هست که باز انتقادها را برانگیزد؟**

نفس فیلمسازی به معنای این است که شما خودت را در معرض تماشای مخاطبان مختلف با سلیقه‌های مختلف قرار می‌دهید. اینکه فیلم نقدهای مثبت یا منفی بگیرد و نظرات مختلف را برانگیزد به جای خود بد نیست. «سیزده ۵۹» فیلمی مربوط به ژانر جنگی بود و خوشبختانه وقتی در کنار کسانی که جنگ را دیده‌اند و از نزدیک حس کرده‌اند فیلم را دیدم، از نوع ارتباطی که با فیلم برقرار کردند به این نتیجه رسیدم که فیلم توانسته است همذات‌پنداری مخاطب را برانگیزد. از آن فیلم‌هایی است که از ساختش بسیار راضی و خوشحالم و اگر باز هم به عقب برگردم این فیلم، را می‌سازم. برخی از دوستان بدون آنکه از این ماجراها یاخبر باشند کارگردان را متهم کردند به سفارشی بودن. قصه فیلم قصه پدر نظامی من بود که از هشت‌سال جنگ، شش‌سال را جنگید و ما همه از نزدیک این لحظات را حس کردیم و فیلم هم تقدیم شد به کسانی که برای دفاع از ایران مردانه جنگیدند و سینه‌هایشان را سیر کردند.

❧ **سوالم را دوباره تکرار می‌کنم، با توجه به سبک فیلمسازی شما و اینکه اصولا در فیلم‌های شما آدم‌ها و فضاهای عجیب‌وغریب هست، پیش‌بینی می‌کنید که «تمشک» هم با انتقاداتی روبه‌رو شود؟**

اینکه ما با یک فیلم خودمان را در معرض نقد و نظر قرار می‌دهیم، بدیهی است و جزو نفس فیلمسازی است اما از آنجا که «تمشک» قصه بسیار نو و جذاب و گیرایی را روایت می‌کند و در نوع ساختار و نوع نگاهش وابسته است به قصه‌گویی و یک فیلم استاندارد در ژانر اجتماعی بوده و فیلمی است که شبیه زندگی است، کسانی که تا الان فیلم را دیده‌اند معتقدند فیلمی است که مخاطب آن را باور می‌کند به این دلیل که بازی‌ها، بازی‌های یکدستی است و قصه در یک قالب مدرن به خوبی روایت

مهشید افشارزاده کارگردان فیلم «پنج ستاره»: فیلمسازی مثل کارگری در معدن است

دنیا عیوضی: جشنواره سی‌ودوم فجر فرصتی برای نمایش هنر و توانایی کارگردان نگاه نو بود. به همین دلیل با چند نفر از این کارگردانان صحبت کردم. مهشید افشارزاده می‌گوید: «پنج ستاره» یک فیلم ملودرام نیست و همین‌طور این بازیگر و کارگردان سینمای ایران توضیح می‌دهد که از احساساتی‌گرایی گریزان است و به واقع‌گرایی بیشتر علاقه و گرایش دارد. «پنج ستاره» فیلمی درباره مشکلات زنان جامعه و البته اولین تجربه فیلم بلند مهشید افشارزاده است. او پیش از این به حرفه بازیگری مشغول بود. در ادامه گفت‌وگوی او با «شرق» را می‌خوانید و بیشتر با نظرآتش درباره جشنواره فیلم فجر امسال آشنا خواهید شد.

❧ **نظر‌تان در مورد حضور فیلمسازان جوان در کنار کارگردانان مطرح در جشنواره فجر امسال چه بود؟**

اینکه امسال فیلمسازان بنام و برجسته در جشنواره شرکت کرده‌اند، نشانه خوبی برای پرباربودن جشنواره است. دیدن اسم بزرگان در جدول جشنواره امسال برام بسیار هیجان‌انگیز بود. قطعاً جشنواره برپاری بود و البته به همان میزان هم رقابت فشرده.

❧ **بخش «نگاه اول» در جشنواره را چگونه ارزیابی کردید؟**

این بخش شرایطی را برای دیده‌شدن فیلمسازان جوان



مهشید افشار زاده (سمت چپ)